



# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه آزاد اسلامی

درس:

اندیشه اسلامی ۲ (نبوت و امامت)

استاد:

آقای موسی الرضاتنهایی

سال تحصیلی ۹۶-۹۷

۱- دین تعریف نموده و دین عام و خاص و اخص را هم تعریف کرده و بنویسید کدام یک از تعریف های زیر بهتر است؟  
جواب: دین دارای سه تعریف است که عبارت است از:

**بخش اول - دین عام:** که منظور از دین عام به معنای راه و روش خواهد بود که این تعریف از نظر اسلام قابل قبول نخواهد بود زیرا که اگر دین به معنای راه و روش باشد بنابراین (ماتریالیسم) و (نهیلیسم) و (لیبرالیسم) و فرعون نیز باید دین دار بوده باشند.

**بخش دوم - دین خاص:** یعنی آیینی که از یک قداست خاص خداپاوری می باشد و این تعریف اگرچه نسبت به تعریف اول بهتر است زیرا که از خداپاوری برخوردار می باشد ولی نسبت به تعریف سوم بهتر نخواهد بود زیرا این آیین الهی تحریف شده اند.

**بخش سوم - دین اخص:** یعنی مجموعه آیین و مقرراتی که در مکه بر پیامبر نازل شد و در مدینه توسعه یافت و گسترش یافت که آخرین دین و کامل ترین آیین است که بعد از آن دینی نخواهد آمد و پیامبری نیز بر انگیزته نخواهد شد از این جهت تعریف سوم بهتر از تعریف اول و دوم خواهد بود.

۲- رهیافت های چهارگانه دین را به اختصار شرح دهید؟

جواب: رهیافت های شناخت دین عبارت است از:

**بخش اول - عقل:** از طریق عقل به حقیقت دین دسترسی پیدا می کنیم که معنای فلاسفه استدلالی مانند ابن سینا بر این اساس استوار می باشد.

**بخش دوم - عرفان:** یعنی بعضی دیگر مانند عرفاء عقیده دارند که باید دین را از طریق سیر و سلوک و کشف و شهود بدست آورد.

**بخش سوم – عقل و عرفان:** یعنی بعضی دیگر مانند فلاسفه اشراق به این عقیده اند که که عقل و عرفان به صورت توأم برای شناخت دین همراه است که شناخت دین از راه عرفان اگرچه لازم است ولی کافی نخواهد بود.

**بخش چهارم – وحی:** به این معنا که یکی از بهترین راه های رسیدن به حقیقت دین وحی است که وحی ضمن آنکه عقل و عرفان را قابل قبول می داند ولی در عین حال فرا عقلی و فرا شناختی خواهد بود و هر اندازه ما به مبانی و حیانی عمل نماییم از خطا و اشتباه به دور خواهیم بود.

---

۳- برهان لطف را تعریف نموده و بنویسید که چگونه برهان لطف دلالت بر ضرورت بعثت پیامبران الهی دارند؟

**جواب: بخش اول – برهان لطف:**

عبارت است از زمینه ای که در انسان به وجود می آید و موجبات هدایت انسان ها را فراهم می گردد/ بعثت و برانگیخته شدن پیامبران الهی برهان لطف است.

**بخش دوم – چگونه برهان لطف دلالت بر ضرورت بعثت پیامبران الهی:**

زیرا اگر پیامبران الهی برانگیخته شوند در این صورت موجبات هدایت بهتر انسان ها را فراهم می کنند اگرچه در صورتی که پیامبران الهی برانگیخته نمی شدند انسان ها به وسیله عقل و خرد نیز می توانستند امور ساده عالم را بشناسند ولی چون جهان دارای یک سری امور پیچیده نیز می باشد که از حیثه کاربرد عقل خارج است از این جهت بعثت و برانگیخته شدن پیامبران الهی یک امر ضروری و حتمی خواهد بود چرا که اگر پیامبران برانگیخته نشوند خداوند در نظام خلقت دچار یک نوع نقض غرض می شد و چون صدور نقض غرض از خداوند برخلاف حکمت الهی است از این جهت حکمت الهی و لطف

خداوندی اقتضا دارد که تا خداوند پیامبران را مبعوث نماید تا بدون وسیله موجبات هدایت بهتر انسان ها را فراهم گردد.

۱۳۹۶/۰۷/۲۲

شنبه

جلسه دوم

۴- فوائد هشتگانه بعثت پیامبران الهی را فقط نام ببرید؟

جواب: مهم ترین فوائد بعثت پیامبران الهی عبارتند از:

- ۱- یاد آوری فطریات ۲- دعوت به یکتاپرستی (توحید) ۳- آزادی انسانها آزادی انسان ها از غل و ذنجیر اسارت بندگی ۴- قسط و عدل ۵- تزکیه و تسلیم ۶- بشارت و انذار
- ۷- علاج امراض روحی ۸- به کمال رسیدن انسانها

۵- وحی را در اصطلاح تعریف کرده و تفاوت آنرا با کشف و شهود به اختصار شرح دهید؟

جواب: **بخش اول** - وحی در اصطلاح عبارتند از القاء پیام محرمانه از خداوند به پیامبران به گونه ای که در آن استراق سمع و شنود امکان نباشد.

**بخش دوم** - اما تفاوت بین کشف و شهود و سیر و سلوک در این است که:

**اولا** - آغازگر وحی خداوند است در حالیکه آغازگر کشف و شهود و سیر و سلوک انسان است.

**ثانیا** - در وحی امکان خطا و اشتباه وجود ندارد در حالیکه در کشف و شهود و سیر و سلوک امکان خطا و اشتباه وجود دارد و دلیل این مسئله آن است که چون پیامبر وحی را از ناحیه خداوند دریافت می نماید لذا در وحی امکان خطا و اشتباه وجود ندارد ولی در کشف و شهود چون انسان بر اثر تمرین و ممارست آنرا بدست می آورد از این جهت امکان خطا و اشتباه در آن وجود دارد.

۶- معانی چهارگانه وحی در قرآن کریم به اختصار شرح دهید؟

جواب: عبارتند از:

۱- **وحی:** به زنبور عسل که منظور از این نوع وحی همان هدایت تکوینی است که در همه موجودات عالم به صورت غیر ارادی وجود دارد.

۲- **وحی به مادر موسی:** که منظور از این وحی همان الهامات قلبی و القاءات درونی انسان‌ها خواهد بود.

۳- **وحی شیطانی به دوستان خود:** که منظور از این نوع وحی وسوسه های درونی انسان‌ها خواهد بود.

۴- **وحی تشریحی:** که این نوع وحی ویژه پیامبران می باشد که مبتنی بر عقل و اراده خواهد بود.

---

۷- اقسام چهارگانه وحی را به اختصار شرح دهید؟

جواب: عبارتند از: ۱- **مستقیم** ۲- **غیر مستقیم**

۱) **وحی مستقیم:** آن نوع وحی است که پیامبر آنرا بدون واسطه و به صورت مستقیم دریافت می کند که عبارتند از:

۱- رویای حضرت ابراهیم که آن حضرت در عالم خواب مذموم و مفاد وحی را همانند فجر صادق دریافت نمود.

۲- مانند نزول قرآن کریم بر روح محفوظ و سینه مکنون پیامبر که وحی را به صورت مستقیم دریافت کرد.

**۲) وحی غیر مستقیم:** که پیامبر آنرا با یک واسطه دریافت می نماید مانند:

۱- از جبرئیل وحی را به پیامبر که مذموم و مفاد را از طریق فرشته وحی و جبرئیل امین دریافت می نماید.

۲- ایجاد صوت یعنی در بعضی از موارد پیامبر مفاد وحی را از طریق صدا مهیبی از کوه یا پشت دیوار به گوش می رسد آنرا دریافت می نماید آنچنان که به حضرت موسی در کوه تور این چنین وحی شد.

---

۸- دو تفسیر نادرست از وحی را نوشته و بر آن نقد نمایید؟

جواب: دو تفسیر نادرست از وحی عبارتند از:

۱- برخی پیامبران الهی را از نوابق دانسته و وحی را محصول تفکر آنها پنداشته اند که پیامبران افکار و اندیشه خود را در قالب تعالیم و حیانی بازگو نموده اند. نقد بر این دیدگاه آن است که وحی یک تافته جدا بافته می باشد که پیامبر با حفظ امانت و با بدون کم و زیاد آنرا در اختیار مردم قرار دهد. بنابراین وحی کلام الهی است و ساخته و پرداخته افکار و اندیشه پیامبر نخواهد بود.

۲- برخی دیگر وحی را از نوع تجربه عرفانی عارفان پنداشته اند که پیامبر بر اثر تمرین و ممارست به آن مقام عرفانی نائل می شود که نقد بر این نظریه آن است که اولاً وحی کلام الهی است و نه آن که ساخته و پرداخته افکار و اندیشه پیامبر باشد و ثانیاً در وحی امکان خطا و اشتباه وجود ندارد در حالیکه تجربه عرفانی عارفان امکان خطا و اشتباه در آن وجود خواهد داشت از این جهت وحی نمی تواند از نوع تجربه عرفانی عارفان بوده باشد.

---

۹- چگونه برهان متکلف دلالت بر ضرورت بعثت پیامبر الهی دارد؟

جواب: ۱- خداوند به همه انسان ها عقل داده است.

۲- انسان ها خوبی و بدی گفتارها و رفتارهای را می شناسند.

۳- تا به وسیله عقل مفاهیم کلی را بشناسند نه مصادیق جزائی متکلفی را که همواره مدافع حریم اصول دین باشند.

با سه مقدمه ضرورت بعثت پیامبران الهی را به اثبات می‌رسانیم که عبارتند از:

**اولا-** خداوند به همه‌ی انسان‌ها عقل و خرد داده است.

**ثانیا-** ما به وسیله عقل خوبی و بدی گفتارها و رفتارها را می‌شناسیم.

**ثالثا-** ما به وسیله عقل مفاهیم کلی را می‌رسانیم نه مصادیق جزئی از این جهت با توجه به مسائل سه‌گانه گذشته بنابراین بعثت پیامبران الهی یک امر ضروری و حتمی خواهد بود تا سرپرستی آن پیامبران الهی علاوه بر مفاهیم کلی به بیان مصادیق جزء پردازد.

---

۱۳۹۶/۰۷/۲۹

شنبه

جلسه سوم

۱۰- معجزه را تعریف کرده و ویژگی‌های چهارگانه معجزه را به اختصار شرح دهید؟  
جواب: **بخش اول-** عبارت است از کار خارق العاده و فوق العاده‌ای که پیامبران الهی به منظور اثبات پیامبری خود انجام می‌دهند ناتوان می‌باشند.

**بخش دوم-** ۱- ویژگی‌های معجزه این است که معجزه مطابق با نظام علت و معلوم مادی عالم نخواهد بود. مثلاً بر حسب نظام مادی عالم چوب تبدیل به اژدها نخواهد شد ولی حضرت موسی (علیه السلام) به اذن خداوند چنین کاری را انجام داد.

۲- معجزه باید مطابق خواست پیامبر باشد نه مخالف با آن.

۳- معجزه باید توأم با تحدی و مبارزه طلبی باشد.

۴- بنابر این امور خارق العاده‌ای همراه با تحدی نباشد آنرا معجزه نمی‌نامند بلکه آنرا در اصطلاح کرامت خواهد نامید.

۱۱- آیا معجزه با نظام علت و معلول منافات دارد؟ چرا؟

جواب: در این مورد دو نظریه وجود دارد که عبارتند از:

۱- مادیون (ماتریالیزم) که این گروه بر این عقیده اند که بر همه امور مادی عالم تابع نظام علت و معلول خواهند بود به جز معجزه که تابع نظام علت و معلول نخواهد بود.

۲- الهیون (متافیزیک) این گروه بر این عقیده اند همه امور (خواه مادی یا مجرد و معنوی) تابع نظام علت و معلول خواهند بود حتی معجزه نیز تابع نظام علت و معلول می باشد. با این تفاوت که نظام علت و معلول در امور مادی عالم با نوع نظام علت و معلول در معجزه تفاوت خواهد داشت زیرا که نظام علت و معلول در امور مادی عالم سند و سخت افزاری خواهد بود و اما نظام علت و معلول در معجزه سریع و نرم افزاری خواهد بود ولی آنچه مسلم است آن است معجزه نیز تابع نظام علت و معلول خواهد بود.

۱۲- چرا معجزه پیامبران الهی باهم یکسان نبود؟

جواب: دلیل این مسئله آن است که چون معجزه پیامبران الهی بر حسب مقتضیات زمان و مکان ارائه می شود از این جهت باهم تفاوت داشته است. مثلاً در زمان حضرت عیسی (علیه السلام) علم طب و پزشکی پیشرفت زیادی داشت از این جهت حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) زنده کردن مردگان را به عنوان معجزه ارائه داد. و در زمان حضرت موسی (علیه السلام) چون سحر و جادوگری پیشرفت زیادی داشت از این جهت حضرت موسی ید بیضا و عصای حضرت موسی (علیه السلام) به عنوان معجزه ارائه شد و در زمان پیامبر ما علیرغم وجود جاهلیت اولی و لی چون فصاحاً و بلاغاً به اوج خود رسیده بود از این جهت پیامبر خاتم قرآن کریم را ما فوق فصاحت ها و بلاغت های معاصر بود و به عنوان معجزه ارائه داد از این جهت معجزه پیامبران الهی در زمان های مختلف با هم یکسان نبود.



۱۳- عصمت را تعریف نموده و عوامل باز دارنده پیامبران الهی را از گناه به اختصار شرح دهید؟

جواب: **بخش اول** - یعنی مصونیت پیامبران الهی از گناهان کبیره، صغیره، سهو، نسیان

**بخش دوم** - و اما عوامل بازدارنده پیامبران الهی از گناه عبارتند از:

۱- عنایت خداوند متعال به پیامبران الهی که شرط لازم است نه شرط کافی زیرا به موازات این که خداوند می خواهد پیامبران مرتکب گناه نشوند خود پیامبران نیز باید از خداوند بخواهند که مرتکب گناه نشوند.

۲- اراده پیامبران نیز نقش مهمی در بازدارندگی آنها از گناه خواهد داشت.

۳- عقل است که ضریب هوش بالای پیامبران را نشان می دهد که نقش مهم در بازدارندگی آنها از گناه ایفا می کند.

۴- علم به مصالح کارهای نیک و مفسد گناهان نیز نقش مهمی را در بازدارندگی آنها از گناه خواهد داشت.

۱۴- منظور از عصمت در مقام دریافت حفظ ابلاغ وحی را از دیدگاه عقلی اثبات نمایید؟

جواب: منظور از عصمت در مقام دریافت و حفظ ابلاغ وحی آن است که چون خداوند حکیم است بنابراین این حکمت الهی و لطف خداوندی اقتضا می نماید پیامبران الهی وحی را بدون دست برد و تحریف در اختیار مردم قرار دهند تا موجبات هدایت انسان ها را فراهم آورند زیرا که اگر پیامبران الهی در مذموم و مفاد وحی دچار خطا و اشتباه شوند در این صورت مردم دچار سرگردانی خواهند شد لذا حکمت الهی و لطف خداوندی بیانگر آن

است که باید پیامبران الهی مفاد وحی را بدون تحریف در اختیار مردم قرار دهند تا موجبات هدایت مردم فراهم گردد.

---

۱۵- عصمت در مقام دریافت، حفظ و ابلاغ وحی را از دیدگاه نقلی (قرآن کریم)

شرح دهید؟

جواب: منظور آن است که پیامبران الهی از دیدگاه قرآن کریم نیز باید دارای عنصر عصمت بوده باشند زیرا که قرآن کریم درباره این عصمت پیامبران الهی ما پیامبران خود را از اطراف و اکناف مواظبت و مراقبت می نمایند تا مبدا مرتکب گناه و خطا شوند که البته مراقبت و مواظبت از گناه شرط لازم است نه شرط کافی زیرا به موازات این که خداوند می خواهد پیامبران مرتکب گناه و خطا نشوند خود پیامبران الهی نیز باید از خداوند بخواهند که مرتکب گناه و خطا نشوند.

---

۱۶- منظور از عصمت از معصیت و گناه را از دیدگاه عقلی به اختصار شرح دهید؟

جواب: آن است که پیامبران الهی به موازات این که از نظر شناختی باید دارای عنصر عصمت باشند و از لحاظ عقلی نیز باید دارای عنصر عصمت باشند زیرا که پیامبر الگو و اسوه جامعه بشری می باشد و به موازات این که از نظر گفتاری پیامبر دارای الگو و اسوه جامعه بشری است عمدتاً از نظر علمی نیز پیامبر باید سر مشق جامعه بشری بوده باشد تا بتواند اعتماد عمومی را جلب نماید.

---

۱۷- منظور از عصمت از معصیت گناه را از دیدگاه نقلی به اختصار شرح دهید؟

جواب: آن است که از دیدگاه قرآن کریم نیز پیامبران الهی باید دارای عنصر عصمت عملی باشند چون خداوند در قرآن کریم می فرماید: که آنگاه ما حضرت ابرهیم (علیه السلام) را به وسیله امتحانات سختی آزمودیم و آن حضرت از امتحانات سرفراز بیرون

آمد. خداوند فرمود: ای ابراهیم تو را به مقام امامت می‌رسانیم بعد از این که به مقام نبوت رسیده بودی که حضرت ابراهیم (علیه السلام) نیز عرضه داشت: آیا از نسل من نیز کسی به این مقام می‌رسد که خداوند فرمود: که ستمکاران به این مقام نائل نخواهند شد. حال نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که حضرت ابراهیم (علیه السلام) علاوه بر مقام نبوت به مقام امامت نائل شد از این جهت بود که حضرت ابراهیم (علیه السلام) دارای عنصر عصمت بوده و از این جهت بود که مرتکب خطا و گناه نشد.

---

۱۸- منظور از عصمت پیامبران الهی در زندگی فردی و اجتماعی از دیدگاه عقلی و نقلی را به اختصار شرح دهید؟

جواب: از دیدگاه اهل سنت پیامبر باید در مقام وحی دارای عنصر عصمت باشد ولی در مقام غیر وحی یعنی در زندگی فردی و اجتماعی پیامبر نمی‌خواهد عنصر عصمت داشته باشد. ولی از نظر ما شیعیان پیامبر هم باید در مقام وحی دارای عنصر عصمت باشد و هم در مقام غیر وحی یعنی زندگی فردی و اجتماعی نیز باید دارای عنصر عصمت باشد تا بتواند اعتماد عمومی مردم را جلب نماید.

---

۱۳۹۶/۰۸/۱۳

شنبه

جلسه پنجم

۱۹- دو منشأ عصمت پیامبران را به اختصار شرح دهید؟

جواب: منشأ عصمت پیامبران الهی ۲ قسمت هستند:

۱- شناخت یعنی پیامبران الهی چون از نظر آگاهی و شناخت خداوند در مرتبه بسیار رفیعی قرار دارند هیچ چیز بر رضا و خشنودی خداوند ترجیح نمی‌دهند و اندیشه‌ای جز اندیشه‌ی الهی را در سر نمی‌پرورانند و چنین افرادی اصولاً فکر گناه و معصیت نیز به ذهن آنها خطور نمی‌کند.

۲- چون پیامبران الهی از نتایج نیکویی اعمال و پیامد منفی گناهان علم را آگاهی دارند از این جهت مرتکب گناه نمی شوند درست مانند فرد عاقلی که می داند که اگر به سیم برق دست بزند و یا سم کشنده را تناول نماید می میرد چنین کاری را انجام نمی دهد که پیامبران الهی نیز نسبت به گناه یک نوع مصونیت خردمندانه و آگاهانه دارند.

---

۲۰- آیا مسئله عصمت پیامبران الهی با اراده و اختیار آنها منافات دارد؟ چرا؟

جواب: بدیهی است مسئله عصمت پیامبران الهی با اراده و اختیار آنها هیچ گونه منافاتی نخواهد داشت زیرا که پیامبران الهی عاقلانه و خردمندانه و مرتکب گناه نمی شود درست مانند فرد عاقلی که به سیم برق دست نمی زند و یا سم کشنده را تناول نمی نماید زیرا علم و آگاهی دارد که سم کشنده پیامد منفی را به دنبال خواهد داشت از این جهت پیامبران الهی چون نسبت به پیامد منفی گناهان آگاهی دارند لذا اراده پیامبران الهی نه تنها با مشیت الهی منافات دارند بلکه مکمل مشیت خداوندی نیز خواهد بود زیرا که اراده پیامبران الهی به مشیت خداوندی جلوه عینی می دهد و از این جهت اراده پیامبران الهی مکمل عصمت نیز خواهد بود.

---

۲۱- آیا حضرت آدم (علیه السلام) عصیان الهی را به جا آورد؟ چرا؟

جواب: بدهی است که حضرت آدم عصیان الهی را به جا نیاورد یعنی مرتکب خطا و گناه نشد زیرا که مخالفت امر الهی بر دو نوع است:

### ۱- مخالفت امر وجوبی یا مولوی ۲- مخالفت امر ندبی یا ارشادی

از آنجا که حضرت آدم (علیه السلام) مخالفت امر وجوبی نکرد بلکه مخالفت امر ندبی کرد و در حقیقت ترک اولی انجام داد انجام ترک اولی هیچ گونه منافاتی با پیامبران الهی نخواهد داشت و عصمت پیامبران را مخدوش نخواهد ساخت و اگر گرفته شود پس چرا حضرت آدم (علیه السلام) از بهشت اخراج شد؟ در پاسخ می گوئیم به استناد حدیث نبوی

حسنت الابرار و سیئات المقربین چون آن انتظاری که از حضرت آدم (علیه السلام) می رفت برآورده نشد و همین مسئله سبب اخراج حضرت آدم (علیه السلام) از بهشت گردید اگرچه کاری را که حضرت آدم (علیه السلام) انجام داد ترک اولی بود هیچ گونه منافاتی با عصمت پیامبران الهی نخواهد داشت.

۱۳۹۶/۰۸/۲۰

شنبه

جلسه ششم

۲۲- سکولاریزم را تعریف نموده و عوامل چهارگانه پیدایش سکولاریزم را به اختصار شرح دهید؟

جواب: **بخش اول** - تعریف اول: سکولاریزم یک ایدئولوژی است که مدافعان آگاهانه همه امور و مفاهیم ماورای طبیعت عالم را انکار می نمایند و از حصول غیر دینی یا ضد دینی دفاع می کنند.

تعریف دوم: سکولاریزم می کوشد که زندگی انسان را از طریق ابزاری یعنی عقل ابزاری و علوم تجربی منهای وحی زندگی مردم را سامان بخشد.

**بخش دوم** - و اما عوامل چهارگانه پیدایش سکولاریزم عبارتند از :

### ۱- جدایی دین از سیاست و سیاست از دیانت:

یعنی در آیین مسیحیت تحریف شده آمده است که از عیسی مسیح علیه السلام آمده است که آیا جزیه دادن به قیصر روا است که حضرت عیسی علیه السلام در پاسخ به این پرسش می فرماید: مال قیصر را به قیصر و مال خدا را به خدا پرداخت کنید که براساس چنین تفسیری جدایی دین از سیاست و سیاست از دیانت رقم می خورد.

## ۲- نبود قوانین اجتماعی و حکومتی:

یعنی در آیین مسیحیت، قوانین اجتماعی و مدنی وجود نداشته است و اگر وجود داشته است بعداً منسوخ و ملغی شده است.

## ۳- ناسازگاری آموزه های مسیحیت با عقل و علوم تجربی:

یعنی در آموزه های عیسی مسیح دستوراتی وجود داشت که با عقل و علوم تجربی همخوانی نداشته که از جمله آموزه های نادرست گناه ذاتی انسان، مرگ فدییه وار عیسی مسیح و تثلیث را می توان نام برد.

## ۴- رفتار و برخورد نادرست متولیان کلیسا:

یعنی رفتار و برخورد ناشایست متولیان کلیسا مردم را از دین گریزان کرده بود و سبب شده بود که آنان به کلیسا اعتنایی نکنند و به سکولاریزم روی آورند که فساد مالی و اخلاقی و فروش آمرزش نامه ها و دادگاه تفتیش عقاید از این نوع می باشد.

---

۲۳- دو مبانی سکولاریزم را شرح داده و بر آن نقد نمایید؟

## جواب: عبارتند از: ۱- علم گرایی - ۲- عقل گرایی

**بخش اول: علم گرایی:** که منظور از علم گرایی آن است که ما بوسیله علوم تجربی به خصوص علوم پایه می توانیم زندگی خودمان را سرو سامان دهیم به گونه ای که نیازی به آمدن پیامبران الهی نباشد که نقد بر این نظریه آن است که اعتقاد به علم گرایی منهای و حیانت منجر به یک دیدگاه ماتریالیسم غیر قابل قبول خواهد شد زیرا که اعتقاد به علم گرایی منهای و حیانت یعنی این که ما به وسیله علم و دانش بشری می توانیم زندگی مادی خودمان را سامان دهیم در حالیکه جهان منحصر در امور مادی نیست بلکه یک سری عوالم ماورای طبیعت نیز وجود دارد مانند عالم لاهوت ، ملکوت ، عالم غیر، عالم مجردات که به وجود این عوالم آن است که علم گرایی اگرچه لازم است کافی نیست.

**بخش دوم: عقل گرایی:** که منظور از عقل گرایی آن است که ما به وسیله عقل و خرد می توانیم زندگی خودمان را سامان دهیم به گونه ای که نیازی به آمدن پیامبران الهی نباشد که نقد بر این نظریه آن است که اگرچه عقل گرایی لازم است کافی نیست زیرا که عقل آدمی امور ساده عالم را می شناسد و چون جهان دارای یک سری پیچیدگی نیز می باشد. از این جهت علاوه بر وجود عقل بعثت و برانگیخته شدن پیامبران الهی یک امر ضروری و حتمی خواهد بود.

۱۳۹۶/۰۸/۲۷

شنبه

جلسه هفتم

۲۴- لیبرالیسم را تعریف کرده عوامل چهارگانه پیدایش لیبرالیسم را به اختصار شرح دهید؟

جواب: لیبرالیسم به معنای آزادی خواهی و آزاد منشی است که از واژه لیبرال به معنای آزادی خواه برگرفته شده است ولی لیبرال فردی است که به آزادی و اختیار و قدرت انسان ها اعتقاد دارند و لیبرالیسم یک پدیده غرب صنعتی است که نمی توان آنرا از تمدن غرب متمایز کرد و اما مبانی لیبرالیسم عبارتند از:

### ۱- فرد گرایی:

یعنی یکی از مبانی لیبرالیسم فرد گرایی و یا برتری فرد بر هر گروه اجتماعی است که براساس آن فرد هدف است نه جامعه و جامعه باید به گونه ای ساخته شود که بتواند از منافع فرد حمایت کند از این جهت نتیجه می گیریم برتری فرد بر جامعه یکی از ویژگی های احساس ایدئولوژی لیبرالیسم است.

## ۲- آزادی خواهی:

از دیدگاه لیبرالیسم اعتقاد به شأن و تعهد در برابر آزادی او می انجامد و لیبرال ها به شدت معتقدند که زندگی انسان بدون آزادی ارزش زیستن ندارد از این رو است که آنان همواره خواسته اند که فرد را از اجبار های ناعادلانه و باز دارنده ای که حکومت ها و نهاد و سنت ها بر او تحمیل می کنند رها سازند و خود فرد آزاد است تا شغلش را برگزیند عقایدش را اظهار نماید و حتی می تواند ملیت خود را تغییر دهد اما با این حال لیبرال ها هرگز بر این باور نیستند که فرد حق برومندی مطلق از آزادی را دارد زیرا که اگر آزادی نامحدود باشد و به صورت یک مجوز در آید به دیگران آسیب نمی رساند.

## ۳- عقل گرایی:

از دیدگاه لیبرالیسم انسان می تواند با عقل به بهترین منافع خود را داشته باشد ، سرنوشت خود را رغم زند از این رو لیبرال ها عقل را راهنما و هدایتگر خود می دانند نه وحی را.

## ۴- تساهل و تسامح:

به معنای مدارای اخلاقی و آرمانی است که به مردم حق می دهد که به طریقی سخن بگویند و عمل کنند نباشد و از این جهت در بیشتر اوقات این جمله معروف را به کار می برند که ولتر نقل می کند: من از آنچه از تو می گوئی بیزارم ولی تا پایان مرگ از حق تو برای گفتن آن دفاع می نمایم.

---

## ۲۵- راز ماندگاری اسلام در چیست؟

جواب: راز ماندگاری دین در دو مسئله نهفته است:

### ۱- جامعیت:

به این معنا می باشد که چون دین اسلام از یک جامعیت بلایی برخوردار است به گونه ای که همه احکام الهی را بازگو و یان نموده است لذا ماندگار و جاودانه شده است.



**۲- فطرت:** یعنی چون احکام الهی و قوانین خداوندی مطابق با فطرت انسان ها می باشد از این جهت نیز دین جاودانه و ماندگار شده است. مثلا اگر عقل در زمان پیامبر خوب بوده و ظلم بد بوده است در زمان معاصر فعلی ما نیز عدل خوب و ظلم نیز بد می باشد و از این جهت که مطابق با فطرت آدمی می باشد ماندگار و جاودانه شده است.

---

**۲۶- چگونه اسلام می تواند پاسخگوی نیازهای ثابت و متغیر انسانها باشد؟**  
جواب: به دو تعبیر می توان گفت که اسلام می تواند پاسخگوی نیازهای ساده و متغیر انسان ها باشد:

۱- آن که بگوییم احکام ثابت اسلام پاسخگوی نیاز ثابت انسان باشد و احکام متغیر و ثانویه اسلام پاسخگوی نیازهای متغیر انسان ها باشد.

۲- دیگر آن که بگوییم احکام اسلام و قوانین الهی همانند چتر پوشش فراگیر می ماند که می تواند پاسخگوی نیازهای ثابت و متغیر انسان ها باشد در نهایت اسلام به لحاظ جامعیتی که دارد می تواند پاسخگوی نیازهای ثابت و متغیر انسان ها باشد.

---

۱۳۹۶/۰۹/۰۴

شنبه

جلسه هشتم

**۲۷- حصرگرایی دینی (وحدت گرایی) را تعریف نموده و بر آن نقد نمایید؟**

جواب: **بخش اول:** حصرگرایی یا وحدت گرایان بر این عقیده اند که تنها یک دین از حقانیت کامل برخوردار می باشد و بقیه ادیان الهی هرچند ممکن است آدم های خوبی باشند بهره مند می شوند ولی چون از حقانیت مطلق برخوردار نیستند لذا اهل نجات و رستگاری نخواهند بود.

**بخش دوم:** نقد بر این نظریه آن است که اسلام در جایگاه کامل ترین دین الهی که خود را بر حق می داند و پیروان خود را نجات بخش معرفی می نماید ولی عقیده دارند پیروان

سایر ادیان الهی صرف از نظر تحریف مورد قبول و پذیرش می باشند که اگر جهل آنها نسبت به اسلام از نوع جهل قصوری باشد و نه تقصیری بصیرت آگاهی ساختن و اتمام حجت بر آنها شدن می توانند به سعادت جاودانه برسند.

---

۲۸- شمول گرایی دینی را تعریف نموده و این نظریه را نقد نمایید؟

جواب: **بخش اول:** شمول گرایان بر این عقیده اند که تنها یک دین خاص از حقانیت مطلق برخوردار می باشند و پیروان آن به رستگاری نائل خواهند شد و پیروی سایر ادیان الهی نیز به اندازه ای با تطبیق با دین حق به رستگاری نائل خواهند شد که خاستگاه این نگرش جهان مسیحیت که مدافعان این دیدگاه معتقداند با این که دین مسیحیت از حقانیت و نجات بخشی مطلق برخوردار است اما کسانی که مسیحی نیستند می توانند به سعادت جاودانه نائل شوند و غیر مسیحیان نیز می توانند حتی بدون آگاهی خود مسیحیان گمنام نامیده می شوند که امروزه شمول گرایی دینی گسترده ترین دیدگاه پذیرفته شده در میان متکلمان مسیحی و رهبران کلیسا است.

**بخش دوم:** نقد بر این نظریه آن است که پذیرش شمول گرایی دینی منجر به اجتماع نقیضین و رخ داد اجتماع نقیضین از نظر عقلی محال و باطل است.

---

۱۳۹۶/۰۹/۱۱

شنبه

جلسه نهم

۲۹- پلورالسیم دینی (کثرت گرایی) را تعریف نموده و بر این نظریه نقد نمایید؟

جواب: پلورالسیم دینی (کثرت گرایان) بر این عقیده اند که همه ادیان الهی از یک نوع حقانیت مطلق برخوردار می باشند که این دیدگاه آموزه‌های گوناگون و یا آموزه‌های متناقض ادیان را به صورت یکسان صحیح می دانند و تفاوتی بین ادیان الهی قائل نیست که امروزه در جهان غرب (جان هیگ) به عنوان یکی از صاحب نظران در قلمرو فلسفه

دین مدافع و مروج این دیدگاه می باشد که نقد بر این نظریه پلورالیسم دینی آن است که  
**اولا:** حقیقت صرف نظر از تصور ما در عالم خارج وجود دارد بنابراین حقیقت تابع  
برداشت ما نخواهد بود که هرگونه حقیقتی را برداشت نماییم که آن برحق باشد.

**ثانیا:** پذیرش شمول گرایی دینی منجر به اجتماع نقیضین خواهد شد و پذیرش اجتماع  
نقیضین از نظر عقلی محال و باطل خواهد بود زیرا که در یک زمان امکان ندارد که هم  
شکول گرایی دینی قابل قبول باشد و هم سایر ادیان الهی بر حق باشند زیرا که این مسئله  
یک تناقض و یک پارادوکس غیر قابل قبول خواهد بود.

**ثالثا:** رابطه بین ادیان الهی یک نوع رابطه یکسان نخواهد بود چرا که ادیان الهی دارای  
ارزش و اعتبار یکسانی بوده اند بلکه رابطه بین ادیان الهی از نوع رابطه ناسخ و منسوخ  
و کامل و کامل ترین خواهد بود یعنی در زمانی که ادیان گذشته وجود داشته اند اسلام  
وجود نداشته و در زمان کنونی که اسلام کامل ترین دین الهی ادیان گذشته اگرچه کامل  
بوده است باید از نظر عقلی و دینی کامل ترین دین را پذیرفت و از این جهت پلورالیسم  
دینی قابل قبول نخواهد بود.

---

۳۰- واژه اسلام را در لغت و اصطلاح تعریف نموده و برآن نقد نمایید؟

جواب: واژه اسلام در لغت به معنای تسلیم بودن و گردن نهادن است و از این جهت دینی  
را که پیامبران الهی برای مردم عرضه داشته اند اسلام می نامند و از این جهت حضرت  
ابراهیم علیه السلام که دین اسلام و پیروان خود را مسلمان نامید که این در طول تاریخ  
به صورت شریعت های مختلف جلوه گر شده است اما واژه اسلام در اصطلاح عبارت  
است از کامل ترین آیینی که خداوند برای هدایت انسانها نازل نموده است که قوانین  
چنین آیینی مطابق فطرت آدمی و پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی انسانها خواهد بود.

۳۱- روابط چهارگانه بین علم و دین را به اختصار شرح دهید؟

جواب: درباره رابطه بین دین و علم چهار نظریه وجود دارد:

### ۱- تمایز:

یعنی این که علم و دین جدای از یک دیگر می باشند و بین علم و دین نزاع و اختلافی نخواهد بود زیرا که علم و دین از نظر موضوعی جدای از یک دیگر می باشند چه این که علم درباره‌ی چگونگی یک پدیده بحث می کند و دین درباره‌ی چرایی. و این دو مقوله جدای از یک دیگر می باشند و هیچ نزاعی نخواهند داشت

### ۲- تعارض:

یعنی این که علم و دین متعارض و متناقض با یک دیگر می باشند. که در هر جا دین حضور دارد علم حضور ندارد و بالعکس که این نظریه به نظریه سکولاریزم باز می گردد که دین را از سیاست جدا و سیاست را از دیانت جدا می دانند.

### ۳- تعامل:

یعنی تنها علم و دین متناقض یک دیگر هستند بلکه با یکدیگر یک نوع داد و ستد و همکاری نیز خواهند داشت.

### ۴- تکامل:

یعنی این که علم و دین نه تنها با یکدیگر همکاری دارند بلکه مکمل یکدیگرند بنابراین علم و دین می توانند هر دو و درباره یک پدیده از دو دیدگاه جداگانه بحث نمایند مثلاً علم و دین می توانند درباره‌ی خلقت انسان بحث نمایند که علم از نظر چگونگی پیدایش انسان بحث می نماید و دین از لحاظ چرایی خلقت انسان بحث می نماید به گونه ای که مکمل یکدیگر نیز بوده باشند.

۳۲- اعجازهای چهارگانه قرآن کریم را به اختصار شرح دهید؟

جواب: معجزات چهارگانه قرآن کریم عبارتند از:

#### ۱- عدم تحریف:

به این معنا که قرآن کریم دچار تحریف و دستبرد نشده است و این قول به عدم تحریف قرآن کریم مورد اتفاق بین اهل سنت و شیعه شده است.

#### ۲- فصاحت و بلاغت:

یعنی این که ساختار عبارات قرآن کریم به شیواترین و رساترین وجه بیان شده است ضمن آنکه معانی و مفاهیم قرآن کریم نیز دارای ژرف عمیق می باشد.

#### ۳- جامعیت:

یعنی قرآن کریم از یک جامعیت بسیار بالایی برخوردار می باشد که همه احکام الهی را بازگو نموده است و هیچ حکمی را فروگذار ننموده است.

#### ۴- هماهنگی:

یعنی هموار بین آیات قرآن کریم علاوه بر این که قرآن کریم هزاران هزار آیه دارد ولی در بین آیات یک نوع هماهنگی نیز خواهد داشت.

---

۳۳- سنت را در لغت و اصطلاح تعریف نموده و بنویسید چرا سنت حجت است؟

جواب: سنت در لغت به معنای شیوه و روش است و از این جهت پیغمبر فرمود ازدواج سنت من است و از من نیست بر کسی که سنت مرا احیا نکند. و سنت در اصطلاح عبارتند از در اسلام مجموع رفتار، گفتار و تقریر پیامبر که منظور از تقریر آن است که شخصی در حضور امام معصوم به سبک شیعه ها وضو بگیرد که امام معصوم با سکوت خود آنرا

تایید می نماید. و اما علت حجت بودن سنت آن است که چون سنت از زبان امام معصوم صادر شده است لذا حجت خواهد بود.

---

۳۴- عقل را در لغت و اصطلاح تعریف نموده و بنویسید. چرا عقل حجت است؟  
جواب: عقل در لغت به معنای منع و بازداشتن است و از این جهت به افساری که حیوان را از بیراه رفتن باز می دارد عقلا می گویند و به نیرویی که انسان را از بیراه رفتن باز می دارد عقل می گویند. عقل در اصطلاح عبارتند از نیرویی که انسان را از سایر حیوانات متمایز می سازد و انسان به واسطه آن به تفکر و استدلال می پردازد و امور خوب و بد را از یک دیگر تشخیص می دهد و این قوه کم و بیش در همگان وجود دارد. و اما عقل حجت ذاتی دارد چون قوانین مادی بر اساس قوانین الهی می باشد.

---

۳۵- دلایل چهارگانه خاتمیت پیامبر را به اختصار شرح دهید؟

جواب: ۱- شکوفایی عقلانی مردم ۲- کمال دین ۳- تداوم امامت ۴- ادامه فقاقت

### ۱- شکوفایی عقلانی مردم:

به این معنا که چون معدل کلی و برآیند عمومی مردم بیانگر شکوفایی عقلانی بود (هرچند عارضه جاهلیت اولی) چون مردم به شکوفایی عقلانی رسیده بودند از این جهت نیازی به آمدن پیامبری بعد از پیامبر خاتم نخواهد بود.

### ۲- اکمال:

یعنی چون دین کامل شده بود نعمت امامت و ولایت بر مردم به اتمام رسیده بود و از این جهت نیازی به آمدن بعد از پیامبر خاتم نخواهد بود.

### ۳- تداوم امامت:

یعنی این که امامت در راستای دوران نبوت منهای مسئله وحی است وجود دارد از این جهت نیز نیازی به تمديد و تجديد نبوت پیامبری بعد از پیامبر خاتم نخواهد بود.

### ۴- ادامه فقاقت:

یعنی چون در زمان غیبت کبری امام زمان فقهای واجد شرایط ادامه دهنده راه امامان معصوم و امام زمان علیه السلام می باشند از این جهت نیز نیازی به آمدن پیامبر خاتم نخواهد بود.

---

### ۳۶- تفاوت بین نبی و رسول را به اختصار شرح دهید؟

جواب: تفاوت نبی و رسول در این است که:

- ۱- نبی به پیامبری گفته می شود که علاوه بر آن که به او وحی می شود ولی او مأمور به تبلیغ وحی نخواهد بود ولی رسول به پیامبری گفته می شود که علاوه بر دریافت وحی مأمور به تبلیغ وحی نیز خواهد بود
- ۲- نبی به پیامبری گفته می شود که دارای کتاب مستقل نخواهد بود ولی رسول به پیامبری گفته می شود که دارای کتاب مستقل و مجزا بود.
- ۳- نبی به پیامبری گفته می شود که دارای شریعت متفاوت خواهد بود ولی رسول به پیامبری گفته می شود که دارای شریعت مستقل خواهد بود بنابراین هر که رسول هست نبی هم هست ولی هر نبی را رسول نمی گویند.

۳۷- امامت خاصه و عامه را تعریف نمایید؟

جواب: امامت بردو نوع است عبارتند از ۱- امامت عامه و ۲- امامت خاصه

۱- که منظور از امامت عامه آن است که وجود امام و پیشوا خواه بر حق یا بر باطل باشد که یک امر ضروری و حتمی خواهد بود که اگر میسر و امکان پذیر بود چرا که امامت بر حق میسر و امکان پذیر نبود و یا این که امامت بر باطل بهتر خواهد بود از این که در جامعه امام و یا پیشوایی نباشد. از باب قاعده دفع افسد بر فاسد یعنی اگر بنا باشد که حاکم بد داشته باشیم و یا حاکم بد نیز وجود نداشته باشد بهتر آن است که حاکم بد در جامعه باشد تا نبودن آن در جامعه.

۲- منظور از امامت خاصه وجود دوازده امام معصوم خواهد بود که امامت خاصه شامل بر دوازده امام معصوم خواهد شد.

---

۳۸- یک دلیل عقلی درباره امامت عامه را بیان کنید؟

جواب: از دیدگاه عقلی ضرورت امامت عامه یک مسئله انکارناپذیر است و عقل آدمی قضاوت می کند که امامت عامه یک ضرورت است که اگر شد امامت بر حق باشد یا بر باطل زیرا از نظر عقلی اگر امامت بر باطل نیز وجود نداشته باشد در این صورت بی نظمی و هرج مرج در جامعه به وجود خواهد آمد لذا برای جلوگیری از هرج مرج و بی نظمی پس امامت عامه یک امر ضروری و حتمی خواهد بود.

---

۳۹- یک دلیل نقلی درباره امامت عامه را بیان کنید؟

جواب: از آیه قرآن کریم نیز امامت عامه حضرت ابراهیم (علیه السلام) به اثبات می رسد آنجا که می فرمایند آنجا که می فرماید هنگامیکه خداوند ابراهیم را به وسیله امتحانات سختی آزمود و از عهده امتحانات سرفراز بیرون آمد و فرموده شد ای ابراهیم تو را به



مقام امامت می رسانم بعد از آنکه به مقام نبوت رسیده بود که حضرت ابراهیم (علیه السلام) عرضه داشت از نسل من نیز به این مقام خواهند رسید پاسخ داده شد ستمکاران به این مقام نائل نخواهند شد حال نتیجه ای که از این آیه شریفه گرفته می شود آن است که اگر حضرت ابراهیم (علیه السلام) علاوه بر مقام نبوت به مقام امامت نیز نائل گردید از آن جهت بود که چون حضرت ابراهیم (علیه السلام) دارای عنصر عصمت بوده لذا علاوه بر مقام نبوت به مقام امامت نیز نائل گردید.

---

۴۰- دو تعریف امامت خاصه را بیان کرده و بنویسید که کدام یک از دو تعریف بهتر است؟ جواب: **بخش اول:** امامت عبارت است از یک مسئولیت عمومی که امام به جانشینی از پیامبر عهده دار مسائل سیاسی و حکومتی می باشد.

**بخش دوم:** امامت یک منصب عمومی است که امام به جانشینی از پیامبر علاوه بر آنکه عهده دار مسائل سیاسی است مسئولیت تربیتی دینی مردم را نیز برعهده خواهد داشت. از این جهت تعریف دوم بهتر است از تعریف اول زیرا که امامت در راستای نبوت منتهای مسئله وحی است و همان طور که پیامبر عهده دار مسائل سیاسی و تربیتی دینی مردم می باشد امام نیز عهده دار مسائل سیاسی و تربیت دینی مردم می باشد.

---

۴۱- دو تفاوت دیدگاه اهل سنت و شیعه را درباره امامت خاصه امام علی علیه السلام به اختصار شرح دهید؟

جواب : ۱- شیعه عقیده دارد که مسئله امامت خاصه امام علی علیه السلام یک معقوله انتصای است. در حالیکه اهل تسنن به مسئله امامت خاصه امام علی علیه السلام عقیده دارند که یک مسئله انتخابی است.

۲- شیعه اعتقاد دارد که پیامبر و دوازده امام دارای عنصر عصمت می باشند در حالیکه اهل تسنن براین عقیده‌اند که منحصرآ پیامبر باید در مقام وحی دارای عنصر عصمت است ولی ما شیعیان بر این اعتقاد هستیم که پیامبر باید هم در مقام وحی دارای عنصر عصمت باشد و هم در مقام غیر وحی تا بتواند اعتماد عموم مردم را جلب نماید.

۴۲- با توجه به این که مسئله امامت خاصه امام علی علیه السلام یک انتصاب است بنابراین بیعت مردم با امام علی علیه السلام چه معنایی دارد؟  
جواب: بدهی است که مسئله انتصاب با بیعت مردم هیچگونه منافاتی نخواهد داشت زیرا که امام علی علیه السلام دارای دو منصب بوده که عبارتند از:

### ۱- مشروعیت الهی ۲- مقبولیت اجتماعی

که امام علی علیه السلام ۲۵ سال خانه نشین شدند اگرچه دارای مشروعیت الهی بودند ولی نگذاشتند که ایشان در مقبولیت اجتماعی قرار بگیرند ولی پس از ۲۵ سال که مردم با امام علی علیه السلام بیعت کردند علاوه بر مشروعیت دینی، مقبولیت اجتماعی را بدست آوردند از این جهت بیعت با انتصاب نه تنها منافاتی ندارد بلکه بیعت مکمل انتصاب نیز خواهد بود. زیرا که اگر بیعت جلوه عینی می بخشد لذا مکمل نیز خواهد بود.

۴۳- چگونه آیه ولایت دلالت بر امامت خاصه امام علی علیه السلام دارد؟

جواب: از آیه ولایت نیز امامت خاصه امام علی علیه السلام به اثبات می رسد زیرا که خداوند در آیه ولایت می فرماید همانا ولی و سرپرست شما خدا و رسول خدا و آن کسی است که در هنگام نماز انگشتی خود را به سائل داد که شأن نزول آیه درباره‌ی امام علی علیه السلام می باشد که انگشتی خود را به سائل داد. (طبق آیه ۵۵ سوره انعام)

۴۴- چگونه آیه تطهیر دلالت بر امامت خاصه امام علی علیه السلام دارد؟

جواب: از آیه تطهیر نیز امامت خاصه امام علی علیه السلام به اثبات می رسد زیرا که خداوند متعال در آیه تطهیر می فرماید: که ما اهل بیت پیامبر را از ناپاکی ها پاک نمودیم که امام علی علیه السلام هم در عالم تکوین پاک و پاکیزه بودند و هم در عالم تشریح پاک و پاکیزه شدند که شیوه اثبات امامت خاصه امام علی علیه السلام از کلمه اهل بیت بدست می آید زیرا که اولین مصداق از اهل بیت پیامبر امام علی علیه السلام می باشد.

---

۴۵- چگونه حدیث ثقلین دلالت بر امامت خاصه امام علی علیه السلام دارد؟

جواب: از حدیث ثقلین نیز امامت خاصه امام علی علیه السلام به اثبات می رسد زیرا که پیامبر فرمود: من دو چیز گرانبها و نفیس را در میان شما به امانت می گذارم که این دو از یک دیگر جدا نخواهند شد تا آنگاه که در نزد حوض کوثر بر من وارد شوند ۱- قرآن کریم ۲- اهل بیت. که شیوه اثبات امامت خاصه امام علی علیه السلام از این حدیث شریف به این صورت است که اولین مصداق از اهل بیت پیامبر امام علی علیه السلام می باشد که امامت آن حضرت بدست می آید.

---

۴۶- چگونه حدیث سفینه دلالت بر امامت خاصه امام علی علیه السلام دارد؟

جواب: از حدیث سفینه نیز امامت خاصه امام علی علیه السلام نیز به اثبات می رسد زیرا که پیامبر در حدیث سفینه فرمود: مثال اهل بیت من همانند کشتی نوح است که هر کس بر آن سوار شود به رستگاری نائل خواهد شد و هر آنکس تخطی نماید به هلاکت خواهد رسید که شیوه اثبات امامت خاصه امام علی علیه السلام از کلمه اهل بیت بدست می آید زیرا اولین مصداق از اهل بیت امام علی علیه السلام می باشد.